

ایران؛ از اعلام بی طرفی تا اشغال

۳ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۸:۲۸

با آغاز جنگ جهانی دوم، به تاریخ اول سپتامبر ۱۹۳۹/۸ شهریور ۱۳۱۸ دولت ایران با مخابره تلگرافهایی به کلیه دولتهای درگیر در جنگ رسماً خبر موضع بیطرف خود را ابلاغ نمود. در همان ماه نیز پاسخ کشورهای مزبور به دولت ایران ملاحظه شد که حاکی از رضایت دولتهای درگیر از موضع ایران است....

جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. دولت آلمان ابتدا در مورد اقلیتهای آلمانی منطقه داننزیگ، که در عهدنامه ورسای به لهستان واگذار شده بود، به این کشور هشدار داد. اما حمله به لهستان بهانه مناسبتری ملاحظه شد، بنابراین هیتلر در سپتامبر ۱۹۳۹ ترashedن بهانه مناسب و لازم برای حمله به لهستان را به عهده شلنبرگ رئیس سازمان جاسوسی خود واگذاشت. شلنبرگ ابتدا با ایجاد یک مرکز کسب اطلاعات در یک کاباره توانست اطلاعات لازم برای شروع جنگ را به دست آورد. به این صورت که وی عدهای از زندانیان لهستانی را که در بازداشتگاههای آلمان به سر ملاحظه کردند، ملبس به یونیفرم ارتش لهستان و مجهز به نوع سلاح سازمانی این کشور نمود. آنگاه، با دادن قول آزادی به آنان، آنها را وادار کرد به ایستگاه رادیویی در «گلی و تیس» که متعلق به آلمان بود و در مرز این دو کشور قرار داشت حمله کنند. اما علیرغم قول آزادی، سربازان آلمان آنها را محاصره و قتلعام کردند. ۱ با توجه به اینکه هیتلر با استالین کمی پیشتر در ۲۳ اوت ۱۹۳۹ در مورد تقسیم لهستان به توافق رسیده بود، در اول سپتامبر ۱۹۳۹/۸ شهریور ۱۳۱۸ سپاهیان شوروی نیز از سمت شرق داخل خاک لهستان شدند. سرانجام دو سپاه روس و آلمان در منطقه «برست لیتوسک» به یکدیگر رسیدند. اکنون لهستان دو نیمه شده بود.

لهستان تا ۲۹ سپتامبر کاملاً به تصرف ارتشهای مهاجم در آمد و عده زیادی از مردم لهستان به اردوگاههای کار در آلمان و شوروی فرستاده شدند. سرنوشت اسرای لهستانی که در دست روسها گرفتار بودند دردناک بود چرا که عده زیادی از آنان به دست نیروهای سرخ به قتل رسیدند. گورهای دستهجمعی که پس از جنگ در جنگلهای سیاه غرب شوروی کشف شد حاکی از این قتلعامها بود. اما در اثر مخفیکاری کمونیستها این جنایات به آلمانیهای نازی نسبت داده شد تا اینکه پس از فروپاشی شوروی پرده از روی این حادثه برداشته شد. هفتهنامه انگلیسی زبان آبزور به نقل از یک رئیس پلیس اسبق شوروی برای اولین بار جزئیات کامل چگونگی اعدام هزاران سرباز و افسر لهستانی را در سال ۱۹۴۰ که به دستور استالین صورت گرفته بود، تشریح کرد. توکاریف رئیس پلیس سیاسی زمان استالین گفت تنها در آوریل ۱۹۴۰ تعداد ۶۲۹۵ نفر سرباز و افسر لهستانی در قرارگاه کل پلیس سیاسی استالین در ناحیه کاملنیس در نزدیکی مسکو قتلعام شدند و در مورد قتلعامهای دیگر ملاحظه کنید که در کانین ۳۸۹۷ نفر و در خارکف ۴۴۰۳ نفر اعدام شدند. ۲ هیتلر پس از آنکه در نبرد با بریتانیا توفیقی به دست نیاورد تصمیم گرفت برای جلوگیری از خطر حمله شوروی به آلمان پیشدستی کند و به این کشور حمله نماید. بنابراین، سپاهیان آلمان به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ حمله

خود را به شوروی طی عملیاتی به نام بارباروسا انجام دادند. ارتش آلمان تا دهم ژوئیه خود را به ۲۰۰ مایلی مسکو رسانید. این ارتش در دوم اکتبر حتی خود را به سی مایلی مسکو رسانید. ۳ آلمانها با توجه به طرح روزنبرگ در صدد دسترسی به چاههای نفت قفقاز و خلیجفارس بودند.

استالین مجبور شد برای جلوگیری از پیشروی بیشتر آلمانها حتی دست به دامان ژنرال ولادیسلاو آندرس ۴، فرمانده آینده ارتش لهستان، شود. ۵ استالین پس از توافق با دولت در تبعید لهستان در ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۱ ولادیسلاو آندرس را از زندان مسکو آزاد کرد و فرمانده ارتش در تبعید لهستان نمود تا بدینوسیله در مقابل هجوم آلمانها از چند صد هزار نیروی لهستانی بهره ببرد. آندرس چون دید امکان دارد آلمان نازی تمام خاک شوروی را به تصرف خود درآورد تصمیم گرفت ارتش تحت فرمان خود را از طریق ایران از شوروی خارج کند. این فکر مورد استقبال استالین قرار گرفته چرا که میتوانست از باقیمانده نیروهای طرد شده لهستانی یک نیروی نظامی کمونیستی وفادار سازمان دهد و همچنین از اقدامات خودسرانه برخی افسران لهستانی آسوده شود. ۶ طی مذاکرات، قرار شد این ارتش از طریق ایران به ارتش انگلیس در عراق بپیوندد و پس از اینکه توسط این ارتش در فلسطین تعلیمات نظامی لازم را دید به جبهه اروپا اعزام شود. عبور دادن افراد مزبور از ایران به سادگی ممکن نبود؛ چرا که ایران رسماً خود را بلاطرف اعلام کرده بود و لذا یا ایران مابایستی داوطلبانه دست از بلاطرفی خود برداشته چنین تسهیلاتی را برای متفقین فراهم آورد یا الزماً ایران به اجبار تن به این موضعگیری دهد.

موضع بلاطرفی ایران در جنگ جهانی دوم

با آغاز جنگ جهانی دوم، به تاریخ اول سپتامبر ۱۹۳۹/۸ شهریور ۱۳۱۸ دولت ایران با مخبره تلگرافهایی به کلیه دولتهای درگیر در جنگ رسماً خبر موضع بلاطرف خود را ابلاغ نمود. ۷ در همان ماه نیز پاسخ کشورهای مزبور به دولت ایران ملاحظه شد که حاکی از رضایت دولتهای درگیر از موضع ایران است. ۸ اگرچه بسیاری از سیاستمداران بر این باور هستند که با توجه به موقعیت حساس و سوقالجیشی که ایران در منطقه داشت، اعلام بی طرفی امری محال و امکان ناپذیر بود، چون خواه ناخواه کشورهای در حال جنگ به هر بهانه ای در تلاش برای ورود ایران به اتحاد خود بودند. بی شک موقعیت جغرافیایی و وجود راه آهن ایران یکی از دلایل مهم اشغال ایران به وسیله نیروهای متفقین محسوب می شد اما بهانه اصلی متفقین برای ورود به ایران، اعتراض این کشورها به حضور آلمانی ها در ایران بود که به فعالیت های تجاری و اقتصادی مشغول بودند و آنها ادعا می کردند که این کارشناسان آلمانی به عنوان ستون پنجم آلمان در ایران در حال فعالیت هستند تا علاوه بر همراه کردن ایران به طرف جبهه متحدین، راههای ضربه زدن به مناطق نفتی و حساس انگلیس و شوروی را شناسایی و به متحدین اطلاع دهند. بعد از درخواست متفقین برای اخراج آلمانی ها رضاخان اقدام خاصی در مسیر خواسته های متفقین انجام نداد با این امید که آلمان به زودی در جنگ پیروز خواهد شد. بدین ترتیب انگلیس و شوروی با طرح این دستاویز در سحرگاه ۲۵ اوت ۱۹۴۱ میلادی مصادف با سوم شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی ایران را از شمال و جنوب اشغال کردند.

تصمیم متفقین برای اشغال نظامی ایران

تصرف ایران به دنبال یک سلسله محاسبات دقیق متفقین اتفاق افتاد. قلمرو ایران تنها و بهترین طریق ارتباطی نزدیک بین دو قطب متفق جدا از هم بود. رسیدن سپاهیان آلمان به نزدیکی مسکو و آغاز جنگهای در نزدیکی مرزهای ایران یعنی

قفقازیه از عوامل مهم در محاسبات مزبور بود. استفاده از راه‌آهن سراسری ایران که از جنوب تا شمال ایران امتداد داشت برای حمل و نقل نظامیان و کمک‌های نظامی و سایر ارتباطات از عوامل دیگر اشغال ایران بود. استفاده از امکانات غذایی، نظامی و ارتباطی ایران از عوامل مؤثر دیگر در اتخاذ این تصمیم بود. اما اشغال ایران با توجه به اینکه ایران رسماً خود را در این منازعات بلامطرف اعلام داشته بود و حتی خود متفقین ابتدا این بلامطرفی را تأیید کرده بودند بدون طرح هیچ بهانه‌ای مقدور نبود. متفقین خیلی زود بهانه‌ای برای این منظور پیدا کردند. این بهانه، وجود عده‌ای از اتباع آلمان در خاک ایران بود، که البته در صورت مقایسه عده کل اتباع متفقین و متحدین در ایران، به سهولت تفوق تعداد اتباع متفقین در ایران آشکار ملاحظه شده است. ۹ شوروی و انگلستان متفقاً از ایران خواستند که کلیه اتباع متحدین را از کشور اخراج کند. اما چون این خواسته با اعلام بلامطرفی ایران منافات داشت ایران ابتدا از پذیرش آن خودداری کرد.

شوروی نیز بهانه دیگری برای حمله ایران پیدا کرد و آن ماده ششم قرارداد مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی بود. این ماده که برای جلوگیری از تجاوز قشون انگلیسی به ایران بود توسط شوروی به طور یکجانبه به دولت آلمان نیز تعمیم داده شد. سرانجام ارتشهای شوروی و انگلیس در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ بدون اعلام جنگ از شمال و جنوب به ایران حمله کردند. با پیشروی سریع آنها در خاک ایران دولت وادار شد در ششم شهریور دستور ترک مخاصمه به نظامیان خود بدهد. ۱۰

پی نوشتها:

۱. فرانکو باندینی. جنگ دوم جهانی. ترجمه سعید کنعانی، بلامتا، ج ۱، ص ۱۷.
۲. به نقل از روزنامه جهان اسلام. ۱۵/۷/۱۳۷۰.
۳. روبرت هوآر. جنگ دوم جهانی. ترجمه هیئت تحریریه همگام. تهران، انتشارات همگام، ۱۳۶۲. ص ۳۳.
- ۴-Wladyslaw Anders
۵. مان لنی برنر. مشت آهنین. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران، اطلاعات، ۱۳۶۷. صص ۱۷۸-۱۸۲.
۶. مشت آهنین. همان، ص ۱۷۸.
۷. ایران در جنگ جهانی بزرگ درباره سوم شهریور. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۲۵۳۶.
۸. ایران در اشغال متفقین. به کوشش صفاءالدین تبرائیان. تهران، رسا، ۱۳۷۱. صص ۱۳-۱۷.
۹. ایران در اشغال متفقین، همان صص ۱۳-۱۷.
۱۰. همایون الهی. اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم ۱۳۶۹ ص ۱۲۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48968/ایران-بی-اعلام-ایران>